

دین و جهانی شدن: چالشها و فرصتها

دین و جهانی شدن: چالشها و فرصتها

دکتر محسن الویری ([1])

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

اکنون همه پذیرفته‌اند که پدیده‌ی جهانی شدن یا جهانی‌سازی دیگر محدود به حیطه‌ی خاصی نیست و همه‌ی ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد. مواجهه‌ی این پدیده با دین چگونه است؟ چه پرسشهایی را در برابر دین قرار می‌دهد؟ چه چالشهایی را برای دینداران پدید می‌آورد؟ کدام گره‌ها و یا گشایشها را ایجاد می‌کند؟ پاسخ به این پرسشها که یکی از مهمترین دل‌مشغولیهای اندیشه‌وران دینی و آنانی است که می‌خواهند دیندارانه زندگی کنند، موضوع این مقاله است.

با توجه به تعاریف دین و گونه‌شناسی مسائل و حوزه‌های مختلف آن، دین را می‌توان در دو ساحت

متفاوت در نظر گرفت: ساحت قدسی که شامل آموزه‌های وحیانی در حوزه‌ی اندیشه و رفتار است و ساحت عرفی که شامل باورها، ارزشها، هنجارها، نهادها و شیوه‌های زندگی دین‌داران است. دین در ساحت نخست در حوزه‌ی مطالعات دین‌پژوهی (وحی‌پژوهی) قرار می‌گیرد و در ساحت دوم در زمره‌ی مطالعات جامعه‌شناختی. جهانی شدن هر دو ساحت دین و دینداری را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به چالش می‌کشانند. می‌توان چالش‌های ناظر به جنبه‌های وحیانی را چالش‌های نظری نامید و چالش‌های ناظر به تحقق بیرونی دین را چالش‌های عینی و بیرونی. در مواجهه‌ی مستقیم جهانی شدن با دین، پاره‌ای از پرسشها و چالش‌های نظری که در برابر دین (حیطه‌ی نخست) قرار می‌گیرد چنین است: ضرورت و امکان حرکت جهان بشریت به سمت یکپارچگی؛ امکان و چگونگی سخن گفتن از یک نظریه‌ی دینی در باره‌ی جهانی شدن؛ جایگاه خدا در جهان جهانی شده؛ چگونگی تطبیق دین با شرایط جدید؛ ویژگی‌ها و بایستگی‌های رفتار دینی در جامعه‌ی جهانی؛ ضرورت و امکان همسان‌سازی شعائر و رفتارهای دینی نزد پیروان ادیان مختلف و مانند آن. برخی از چالشها و پرسشهای مربوط به جنبه‌ی عینی و تحقق اجتماعی دین (حیطه‌ی دوم) نیز چنین است: شکسته شدن اقتدار دین تحت تأثیر اقتدارشکنی به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیامدهای جهانی شدن؛ سست شدن هویت دینی و مذهبی تحت تأثیر هویت‌زدائی ناشی از جهانی شدن؛ سیطره‌ی عرف‌گرایی (سکولاریسم) و با خطر مواجه شدن حرکت فزاینده و دین‌مداران‌های سکولاریسم‌زدائی در دهه‌های اخیر؛ کاهش نقش رسانه‌های سنتی دینی؛ مسائل مربوط به تطبیق‌پذیری نهادهای دینی با شرایط جدید؛ امکان غرق شدن دین‌داران در دنیایی مبهم و پرهیاهو به گونه‌ای که تا مدتها بعد تصوری درست از شرایط جدید وجود نداشته باشد به ویژه با توجه به تجربه‌ی چند قرن اخیر کشورهای اسلامی و شرقی که هر چه از جانب غرب به آنها رسیده بیش از آنکه گرهی از آنها بگشاید بر مشکلاتشان افزوده است.

جهانی شدن به صورت غیرمستقیم نیز دین را به چالش می‌خواند. دین – به ویژه بر پایه‌ی اعتقاد به جامعیت آن – دارای کارکردهایی متنوع است و با اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی و به ویژه فرهنگ مرتبط است و با توجه به تأثیرپذیری همه‌ی این حوزه‌ها از جهانی شدن، دین نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق این حوزه‌ها رویارویی با جهانی شدن را تجربه می‌کند. افزون بر این اندیشمندان و رهبران و متولیان امور دینی نیز به عنوان هویت فردی خود تأثیرپذیری‌هایی از جهانی‌شدن دارند که به نوبه‌ی خود بر مسائل مربوط به دین اثرگذار است.

در کنار این چالشها، جهانی شدن فرصت هایی را نیز در برابر دین و دینداران قرار می‌دهد که اهم آنها عبارتند از: ایجاد تحرك در اندیشه‌ی دینی و جنبشهای دینی؛ ضعف تئوریک پشوانه‌های نظری جهانی شدن به صورت کنونی و فراهم آمدن فرصت و فضا برای ایجاد يك نظریه‌ی جدید دین‌محور در این باره؛ ابهام در قالب، محتوا و گفتمانهای جهانی شدن و امکان طرح گفتمان دینی در این باره در کنار گفتمانهای تمدنی و ایدئولوژیک و منطقه‌ای و مانند آن؛ فراهم آمدن ظرفیتهای نوین و فراخ برای دین برای جهانی ساختن گستره‌ی مخاطبان خود با توجه به امکان بهره‌گیری از وسائل جدید ارتباطی و نیز تشنگی جهانی برای معنویت و توانمندیهای دین برای هویت‌بخشی نوین فراتر از منطقه و ملت و زبان و قوم خاص و گسترش دلسردی از ناکارآمدیهای ایدئولوژی لیبرال دمکراسی؛ فراهم آمدن زمینه‌ی تجلی توانایی بدیل‌ناپذیر همه‌ی ادیان برای بسیج حق‌طلبانه‌ی توده‌های مردم.

شناخت ژرف این چالشها و فرصتها، گام نخست مواجهه‌ی با مسئله‌ی دوران دینی با پدیده‌ی جهانی شدن است.

* * *

وقتی از مواجهه‌ی دین با پدیده‌ی جهانی شدن سخن می‌گوییم، بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که مراد از این دو اصطلاح چیست؟ و کدام تلقی از این دو را مد نظر قرار داده‌ایم؟ تا آن زمان که تحقیق و بررسی در باره‌ی دین از قلمرو فعالیت‌های عالمان دینی بیرون نرفته بود، اختلاف چشمگیری در باره‌ی تعریف دین وجود نداشت و در صورت تعدد دیدگاهها نیز، همگرایی بین آنها کار بررسی را بسیار آسان می‌کرد. اما از وقتی نگاه بیرونی به دین رواج یافت و از منظر علوم جدید مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز به مقوله‌ی دین نگریسته شد، تعاریف و دیدگاه‌هایی بسیار متعدد و گاه ناهمگرا در باره‌ی دین پدید آمد، به گونه‌ای که حتی دسته‌بندی و گونه‌شناسی این تعاریف نیز دشوار شده است و نمی‌توان به وفاق اندیشمندان در باره‌ی تعریف دین امید بست. به همین دلیل برخی نظریه‌پردازان به جای تعریف دین به توضیح در باره‌ی خصوصیات دین و تعیین ویژگی‌های متمایز کننده‌ی دین با دیگر

پدیده‌های پرداخته‌اند. ([2]) این ویژگی‌ها که از مقایسه ادیان با یکدیگر و مشترکات اغلب آنها – و نه همه‌ی آنها – به دست آمده است شامل مواردی از این دست است: اعتقاد به موجودات فوق طبیعی، تفکیک میان اشیای مقدس و غیر مقدس، اعمال و مناسک، قانون اخلاقی خدایی، احساسات دینی مانند خشیت و گناه و پرستش و...، دعا و یک گروه اجتماعی مبتنی بر موارد فوق. ([3])

نگاه‌های جدید در باره‌ی دین همان نگاه علوم مختلف مانند روانشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و تاریخ است که البته با رهیافت‌های مختلفی صورت پذیرفته که در زمره‌ی مهمترین آنها باید از رهیافت پدیدارشناسانه نام برد. در این میان مطالعات و بررسی‌های جامعه‌شناسان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا معمولاً پایه و اساس دیگر بررسی‌هاست و یا لااقل تأثیری بسیار جدی بر آن دارد. عالمان هر یک از علوم با علاقه، کشش و نیاز و منطقی خاص به دین نگریده‌اند و تعلق خاطر یک جامعه‌شناس به مطالعه‌ی دین نیز به جنبه‌های مربوط به نقش و کارکرد دین در شؤون مختلف جامعه و رفتارهای دین‌داران به عنوان بخش و وجهی از رفتار گروهی است. ([4]) نخستین دین‌پژوهی‌ها در قلمرو جامعه‌شناسی، اغلب به خاستگاه‌های تاریخی و روانی دین و باورهای دینی معطوف بود و بالمآل دین را به صورت تابعی از واقعیت‌های ملموس بیرونی نظیر آب و هوا، ترس، جهل یا ترفندهای کلیسا معرفی می‌کرد. ([5]) چنین نگاه‌هایی به دین گاه به اعلام مرگ خدا و دین او می‌انجامید ولی امروزه دیگر تقریباً همه‌ی جامعه‌شناسان پذیرفته‌اند که دین به عنوان یک واقعیت نیرومند اجتماعی نمرده است و حداقل نقش دین یعنی پاسخ دادن به یک سلسله نیازهای روانی در انسان‌ها مورد پذیرش همه است و چون این نیازها، نیازهایی پایدار و زائل‌نشده است، دین نیز به صورت واقعیت‌پایداری از فرهنگ انسان باقی خواهد ماند.

البته دشواری رسیدن به تعریفی از دین که سازگار با مبانی و نیازهای جامعه‌شناسی و کارآمد برای تبیین کارکردهای اجتماعی دین و در عین حال قابل تطبیق با رفتارهای گوناگون پیروان ادیان مختلف، همچنان به قوت خود باقی است. ([6]) و به همین دلیل در آرای جامعه‌شناسان نیز تشتت آراء در باره‌ی ابعاد جامعه‌شناختی دین به چشم می‌خورد. این اختلاف دیدگاه‌ها به موضوع کلی‌تر امکان یا عدم امکان بررسی جامعه‌شناختی دین کشیده شده است. برخی جامعه‌شناسان، اصولاً دین را پذیرای هیچ تحلیل جامعه‌شناختی نمی‌دانند، زیرا به اعتقاد آنها دین یک نهاد اجتماعی یا فرآورده‌ی انسانی مانند

نهادها و فرآورده‌های دیگر نیست و نمی‌توان آن را مورد تبیین عقلی قرار داد، ([7]) اما حتی از نظر این گروه از اندیشمندان، تحقق اجتماعی دین می‌تواند متعلق مطالعات جامعه‌شناختی قرار گیرد. برخی دیگر از جامعه‌شناسان با تکیه بر رهیافت پدیدارشناختی، از تعمیم‌های علی و معلولی چشم‌پوشیده و قلمرو بررسی دین را محدود به توصیف و تفسیر همدلانه‌ی نظام‌های اعتقادی می‌دانند. و برخی دیگر با تکیه بر رهیافت‌های تقلیل‌گرایانه دین را در حد دیگر واقعیت‌های اجتماعی یا روانشناختی کاهش داده‌اند تا بتوانند آن را بررسی کنند. این روش که رایج‌ترین موضع جامعه‌شناسان معاصر در برابر دین به حساب می‌آید با کنار نهادن مسأله‌ی حقانیت باورهای دینی همراه است و بر این فرض استوار است که دین نیز مانند صورت‌های دیگر رفتار اجتماعی و فردی بشر یک پدیده‌ی انسانی است و می‌توان آن را مانند آنها با روش‌های خاص علوم اجتماعی مورد بررسی قرار داد. ([8]) گروهی دیگر بر این باورند که تقلیل پدیده‌های مذهبی به واقعیت‌های اجتماعی یا روانشناختی مشکلی را حل نمی‌کند و با این روش نمی‌توان دین را فهمید. ([9]) از سوی دیگر، ما با این واقعیت نیز مواجهیم که تلاش بسیاری از جامعه‌شناسان بر این است که تا دین را آنگونه بفهمند و بررسی کنند که یک دیندار آن را می‌فهمد. ([10])

به هر حال، امروزه کمتر مسأله‌ای مربوط به دین است که در بوته‌ی مطالعات و بررسی‌های جامعه‌شناسان قرار نگرفته باشد. ([11]) مجموع این مطالعات را به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند: نخست،

بررسی دین از آن لحاظ که در فهم کنش اجتماعی مؤثر است، دوم،

رابطه‌ی دین و حوزه‌های دیگر حیات اجتماعی همچون اقتصاد، سیاست و طبقات اجتماعی و سوم بررسی نقشها، سازمانها و جنبشهای دینی. ([12]) متأسفانه دین‌پژوهی جامعه‌شناسان در برخی حیطه‌ها به مسیحیت‌پژوهی محدود شده است و تعمیم‌های آن عموماً برخاسته از بررسی جوامع مسیحی‌نشین و نقش و کارکردهای اجتماعی دین مسیحیت است. ([13])

طبیعی است باید بین نگاه جامعه‌شناختی به دین و مباحث و اندیشه‌های اجتماعی یک دین تفاوت گذاشت.

در آموزه‌های هر دینی حجمی قابل توجه از مباحث مرتبط با مسائل اجتماعی وجود دارد. مثلاً در اندیشه‌ی اسلامی کلیه‌ی مطالب مرتبط با امت، ناس، سیاست، اقتصاد، دعوت، آداب معاشرت، ظلم‌ستیزی، احکام معاملات و مانند آن دارای دلالت‌های اجتماعی است. اندیشمندان مسلمان به ویژه در دوران معاصر آثاری ارزشمند در تبیین مبانی و ابعاد اندیشه‌های اجتماعی در اسلام پدید آورده‌اند. ([14]) متفکران برجسته‌ی مسیحی هم به نقش شکل‌دهنده‌ی دین بر جامعه و هم واکنش دین در برابر نیرو و نفوذ فزاینده‌ی دنیوی، توجه شایان کرده‌اند. ([15]) مطالعه این امور گرچه می‌تواند از سوی جامعه‌شناسان بررسی شود ولی پیش از آن که یک موضوع جامعه‌شناختی باشد، یک موضوع دینی و مرتبط با حوزه‌ی دین‌پژوهی است. گرچه تعامل و تأثیرگذاری متقابل این دو گونه‌ی مطالعه بر یکدیگر قابل انکار نیست.

دین یک امر بسیط و نیز یک پدیده‌ی تک‌بعدی نیست. در دین‌پژوهی‌های معاصر وجوه و ابعاد مختلفی برای دین برشمرده‌اند. یکی از دین‌پژوهان معاصر به نام نینیان اسمارت برای هر دین هفت بعد برشمرده است: بعد شعایی، بعد عقیدتی، بعد نقلی و اسطوره‌ای، بعد اخلاقی و حقوقی، بعد تجربی و عاطفی، بعد اجتماعی و نهادی و بعد مادی ([16]) که البته می‌توان و بلکه باید دو بعد تاریخی و حیانی (متون مقدس) را نیز به آن افزود. در مطالعات اجتماعی مربوط به دین نیز از یکپارچه‌نگری به همه‌ی ابعاد دین پرهیز شده است و مثلاً دو برداشت متمایز از دین به صورت زیر عرضه شده است: نخست، دین در قالب ارائه‌ی یک برداشت معنوی از آن و دربردارنده‌ی مجموعه الگوهای رفتار اجتماعی و فردی که به پیروان خود در شکل‌دهی به زندگی روزانه بر اساس این الگوها یاری می‌رساند؛ در چهارچوب این معنا، دین نیازمند اندیشه‌ی متعالی و نیز قداست و نقطه‌ی اوجی است که مردم را با وضعیت نهایی هستی پیوند دهد. در برابر این برداشت، برداشت دیگر از دین توجه به قالب و ابعاد مادی آن همچون تشکیلات مذهبی، گروه‌ها و جنبش‌های دینی است. روشن است که بنا بر این تعریف، همه‌ی گروه‌های مذهبی به شکلی با موضوعات اجتماعی در ارتباطند و هیچ تشکل یا گروه مذهبی را نمی‌توان یافت که کاملاً با امور اجتماعی قطع رابطه کرده باشد. ([17])

ما نیز وقتی از فرصتها و تهدیدهای جهانی شدن برای دین سخن می‌گوییم، باید روشن سازیم که به کدام وجه از دین نظر داریم. با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد چارچوب سازگار با مفاد این مقاله تفکیک بین دو تلقی متفاوت از دین به شرح زیر است:

ساحت قدسي دين: دين به مفهومي كه مورد علاقه و بررسي دين‌پژوهان و عالمان ديني است.

ساحت عرفي دين: دين به مفهومي كه مورد بررسي جامعه‌شناسان است.

ساحت نخست كه مي‌توان آن را اصطلاحاً ساحت قدسي دين ناميد، ساحت آموزه‌هاي وحيايي و مهمتر از آن ساحت باورداشت آسماني بودن دين است. مطالعه در اين ساحت از سوي دين‌باوران صورت مي‌پذيرد و تابع ساز و كار مشخص و تعريف شده‌اي براي درك و تبیین دين است كه دين‌پژوهان معتقد به حقانيت دين آنها را بكار مي‌بندند. آموزه‌هاي ديني در اين ساحت شامل اندیشه و رفتار و در هر دو حوزه‌اي فردي و اجتماعي است.

ساحت ديگر دين كه مي‌توان آن را ساحت عرفي ناميد ساحت تحقق بيروني دين در قالب نمادها و نهادها و آيين‌ها و رفتارهاي اجتماعي و كليهي نقش‌آفريني‌ها دين در جامعه است. مطالعه در اين ساحت كه ساحت زندگي عرفي دينداران است در زمره‌اي مطالعات جامعه‌شناختي قرار دارد ولي طبعاً اين نوع مطالعه مي‌تواند ناظر به رفتارهاي فرد در اجتماع هم باشد و مفهوم بررسي جامعه‌شناسانه اين نيست كه تنها جنبه‌هاي اجتماعي دين مورد توجه قرار گيرد. دين‌پژوهي در اين ساحت حتي مي‌تواند از خاستگاي عرفي (سكولار) و غيردين‌باورانه صورت گيرد، آنچنان كه عملاً چنين است.

دين در ساحت عرفي، منزلتي برابر با يك نهاد اجتماعي دارد و گاه حتي زيرمجموعه‌اي فرهنگ قرار مي‌گيرد. ولي در ساحت نخست دين يك فرانهاد است و برتر از همه‌اي نهادها مي‌ايستد و به اعتبار آسماني خود مي‌تواند و بلكه بايد بر همه‌اي شؤون و امور اجتماعي اثرگذار باشد و آنها را آنگونه كه

خود می‌پسندد سامان دهد. بررسی‌های دینی در ساحت نخست نگاه دین‌باوران دین‌شناس به امور مختلف از جمله امور اجتماعی را نشان می‌دهد و در ساحت دوم نگاه جامعه‌شناسان به دین را گزارش می‌کند.

دین در هر دو ساحت خود در مواجهه با جهانی شدن از یک سو با چالش‌هایی روبروست و از سوی دیگر ظرفیت‌هایی را در مقابل خود می‌یابد.

در این نوشتار وقتی از جهانی شدن سخن می‌گوییم بدون ورود به مباحث تخصصی و باریک‌بینی‌هایی – که در جای خود ضروری و مفید است –، آن را به مفهوم مصطلح – که البته باید اعتراف کرد مفهومی سهل و ممتنع است – به کار برده‌ایم. البته هنوز هیچ وفاق اندیشه‌ای در باره‌ی چیستی و ماهیت جهانی شدن پدید نیامدن است. ([18]) تا آنجا که حتی برخی نظریه‌پردازان اصل امکان تحقق آن را نفی کرده‌اند.

حتی در باره‌ی زمان شروع جهانی شدن نیز وحدت نظر وجود ندارد. برخی نویسندگان آغاز آن را به ابتکار خبرنگاران در دهه‌های اخیر منتسب ساخته‌اند و برخی دیگر شروع آن را به ضیافتی که دکتر کلاوس شواب Schwab Klaus در سال 1970 در دهکده‌ای در سویس با حضور مدیران اجرایی رده‌ای بالای اروپایی تشکیل داد و از افق‌های جدید بازرگانی سخن گفت منسوب کرده‌اند و برخی دیگر دهه‌ای 60 قرن بیستم را به عنوان نقطه‌ای آغاز تعیین کرده‌اند و برخی آن را به مارشال مک‌لوهان منتسب کرده‌اند و برخی دیگر از هیتلر و سیاست‌های او به عنوان نقطه‌ای آغاز یاد کرده‌اند و گروهی ویکلی‌کاندیدای ریاست جمهوری 1930م. آمریکا را شروع‌کننده‌ی این بحث معرفی کرده‌اند و گروهی دیگر – که فراوان‌ترند – آغاز جهانی شدن را به اواخر قرن 16 و اوایل قرن 17 برمی‌گردانند. همچنین از پیر دوبوآ متوفای 1323م. و یا از فلاسفه‌ی یونان و یا از اسکندر مقدونی و حتی از فراعنه‌ی مصر به عنوان شروع کنندگان این بحث نام برده شده است ولی جالب‌ترین دیدگاه، دیدگاهی است که آغاز جهانی شدن را با قاطعیت به عصر آدم علیه السلام برمی‌گرداند. ([19])

به هرحال با مروري بر مجموعه تعاريف جهاني شدن مفاهيم بنيادي زير را مي‌توان در آنها يافت: فشردگي زمان و مكان (كاستلر، هاروي و ويليامز)؛ يکپارچگي سيستم (تافلر، قزلسفلي و الجابري)؛ شبكه‌اي بودن (كاستلر)؛ تفوق نظام سرمايه‌داري (ايران‌زاده و الجابري)؛ وابستگي عمومي (فرانك و والرشتاين). ([20]) اغلب اين تعاريف تنها به وجهي از جهان شدن توجه داشته‌اند و فاقد نگاهي جامع هستند و به همين دليل هنوز تعريفی جامع و مورد وفاق ارايه نشده است. اصولاً نگاه تئوريك و معرفتي به مسأله جهاني شدن، نگاهي جديد و در نتيجه حجم مطالعات تقريباً اندك و بررسي‌ها هنوز نوپا و خام است. اين سخن گراف نيست كه بگويم جهاني شدن از جمله مقولاتي است كه ابتدا واقع شده است سپس احساس نياز به تبين تئوريك آن شده است. قدر مسلم اين است كه جهاني شدن پديده‌اي چند بعدي است كه بايد از نگاه تك‌بعدي به آن اجتناب كرد. ([21])

ما در اينجا با مد نظر قرار دادن مباحثي كه در باره‌اي تعريف جهاني شدن ارائه شده است، جهاني شدن را به ويژه در رويكردي فرهنگي، ([22]) به مفهوم بزرگ شدن انسان و كوچك شدن جهان در نظر گرفته‌ايم. بزرگ شدن انسان به اين معنا كه انسان مي‌تواند بر همه‌اي جهان و وقايع آن آگاهي و دست يابد و حسب توانمدي خود بر آنها اثر بگذارد و كوچك شدن جهان به اين معنا كه مي‌توان مجموعه‌اي جهان را - گرچه وجود مجازي آن را - در كنج اتاق حاضري كرد. اين سخن به مفهوم غفلت از تلاش سازمان يافته كشورهاي ثروتمند با محوريت امريكا براي حاكم ساختن نظامي واحد بر جهان و يکپارچه ساختن آن در محورهاي اقتصادي و فرهنگي و سياسي و نظامي در مسير تأمين منافع خود نيست. ([23])

جهاني شدن به اين معنا، هر دو ساحت دين و دينداري را به صورت مستقيم و غيرمستقيم به چالش مي‌كشاند. مراد ما از چالش نيز فراتر از تهديد‌هاست و شامل ابهام‌آفريني‌ها و طرح پرسش‌ها نيز هست. چالش‌هايي كه به حيطه و ساحت نخست دين ارتباط مي‌يابد، به طور عمده چالش‌هايي معرفتي است كه دين‌شناسان دين‌باور در مواجهه با جهاني شدن در برابر خود مي‌يابند. در لابلای مباحث روزافزوني كه پيرامون فرهنگ و جهاني شدن نوشته و گفته شده است، مطالبی قابل توجه در باره‌اي تأثير جهاني شدن بر فرهنگ ديني به دست مي‌آيد ولي اهميت موضوع تا بدان حد هست كه اين تأثيرات مستقلاً مورد بررسي قرار گيرد.

مهمترین این چالش‌ها را که به صورت مستقیم متوجه دین است، به تفکیک در دو ساحت قدسی و عرفی دین به صورت زیر می‌توان برشمرد:

چالش‌های ساحت قدسی دین در مواجهه با جهانی شدن

الف. ضرورت و امکان حرکت جهان بشریت به سمت یکپارچگی

پیش‌فرض جهانی شدن امکان یکپارچگی و تحت نظم واحد درآمدن کلیه کشورهای جهان است. نگاه دین به این موضوع چگونه است؟ از منظر دین، آیا برآستی امکان دارد جهانی که مک‌لوهان با عنایت به پیشرفت ابزار و روش‌های ارتباطی آن را “دهکده‌ای جهانی” خواند در جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن نیز به یک دهکده و یا به قول ویلانیام به یک “مرکز خرید جهان” (24) واحد تبدیل شود. با تکیه بر آموزه‌های دینی آیا باید به مبارزه با روند جهانی شدن برخاست یا باید آن را تسریع و تشدید کرد و یا با هم‌نوائی با آن، آن را به سمت و سوی مطلوب سوق داد. یکپارچگی جهان حتی اگر ممکن باشد آیا ضروری هم هست؟ در این صورت آیا باید به مقابله با جنبش‌های ضدجهانی شدن برخاست یا نه؟ طبیعی است تا دینداران به دقت به این پرسش‌ها پاسخ ندهند، نمی‌توانند موضعی سنجیده و مناسب در مقابل جهانی شدن اتخاذ کنند.

ب. امکان و چگونگی سخن گفتن از یک نظریه‌ای دینی در باره‌ای جهانی شدن

اگر از امکان جهانی شدن از منظر دین سخن گفتیم، حال نوبت طرح این پرسش است که آیا جهانی شدن مورد نظر دین همان جهانی شدن مصطلح است؟ گفتمان های جهانی شدن را به پنج دسته ای تمدنی، منطقه ای، ایدئولوژیک، تعلیمی و جنسیت تقسیم کرده اند. گفتمان تمدنی و منطقه ای در شرق و جنوب شرقی آسیا و اروپای شرقی و اروپای غربی و امریکای لاتین رواج دارد و گفتمان تعلیمی در مطالعات اقتصادی و فرهنگی و تجاری و رسانه ای و ارتباطاتی و انسان شناسی و جامعه شناسی و ... رواج دارد و گفتمان ایدئولوژیک شامل مباحث چپ و راست و مانند آن است و گفتمان جنسیت نیز بر تفاوت موقعیت زنان و مردان تکیه دارد.

آیا می توان از گفتمان جدید و جایگزین به نام گفتمان دینی جهانی شدن سخن گفت؟ مبانی و ابعاد و ویژگی های چنین گفتمان چیست؟ قابلیت این گفتمان برای رقابت با دیگر گفتمان ها در صحنه ای معرفت و اندیشه چیست؟ خاستگاه چنین گفتمان کدام است؟ آیا متون دینی به روشنی و صراحت از آن سخن گفته اند یا باید آن را با استفاده از ساز و کارهای تحقیق در متون دینی از طریق استنباط و اجتهاد به دست آورد؟

ج . جایگاه خدا در جهان جهانی شده

اگر جهانی شدن آن گونه که طراحان و حامیان آن می خواهند با کامیابی تحقق یابد، چه جایگاهی برای خدا در نظر خواهد گرفت؟ آیا باید نگران تنگ تر شدن جای خدا بود یا در بستر وحدت و یکپارچگی ملت ها و کشورها، خواسته یا ناخواسته، خداوند جایی فراخ تر به خود اختصاص خواهد داد؟ اگر کشورها به هم پیوسته شوند، آیا هویت و جوهره ای غیردینی تمدن غربی که خاستگاه جهانی شدن به مفهوم مصطلح هم هست بر همه ای جهان سیطره خواهد یافت و لذا خدا در کنج دل مؤمنان محبوس خواهد شد و یا در این جهان خدا مجال خواهد یافت در فضای فراخی که از به هم پیوستگی کشورها پدید می آید خود را بیشتر بنمایاند. اصولاً خدا کدام فضا را بیشتر می پسندد و در کدام محیط امکان تجلی بیشتر دارد؛ در محیط های کوچک یا هر چه محیط بزرگتر و گسترده تر باشد تجلی او نیز بیشتر خواهد بود. پتر پاریس و

ماکس ل. استاکهوس در کتابي به نام “خدا و جهاني شدن: دين و توانمندي هاي زندگي عمومي” که در سال 2000 به چاپ رسيده، حق سبق در تحقيق پيرامون اين موضوع را دارند ولي اندیشه‌وران دين‌مدار نيز بايد به اين موضوع بيانديشند و پاسخ مناسب خود را به آن بدهند.

د . چگونگي تطبيق دين با شرايط جديد

آيا اصول و احکام و آموزه‌هاي ديني با تنوع و تغيير محيط بايد تغيير يابد يا آموزه‌هاي ديني مجموعه‌اي ثابت و غيرناپذير است که تغييرات محيط پيراموني تأثيري در آن ندارد؟ اگر قرار باشد دين خود را با اين تغييرات تطبيق دهد کدام اجزاي آن بايد به اين تغيير تن دهد؟ اگر پيشينه‌اي تفکر ديني – با تأکيد بر دين اسلام – نشان‌دهنده‌اي تحول لااقل پاره‌اي از اندیشه‌اي ديني متناسب با تغييرات محيط است، آيا اکنون با توجه به هويت کاملاً متفاوت تغييراتي که در جهان در حال وقوع است، تحول در اندیشه‌اي ديني چگونه بايد باشد؟ يکپارچه شدن مخاطبان پيام ديني چه تغييراتي را در پيام دين بايد ايجاد کند يا ايجاد خواهد کرد؟

ه . ويژگي ها و بايستيگي هاي رفتار ديني در جامعه‌اي جهاني

رفتار دينداران در يك جامعه‌اي جهاني چه تفاوتی با رفتار آنها در محيط هاي كوچك و محلي خود بايد داشته باشد؟ آيا بايد رفتارهايي تازه را تعريف کرد؟ آيا مي‌توان به همان سان که از دانشگاه مجازي و جامعه مجازي سخن گفته مي‌شود از دينداري مجازي نيز دم زد؟ در صورت امکان، تعريف و بايد و نبايدهاي آن کدام است؟ آيا مي‌توان تصور کرد پاره‌اي رفتارها که تاکنون به ديني بودن متصف و شهره بودند، تحت تأثير جهاني شدن از اين صفت عاري شوند؟ اگر اعمال عبادي همچنان ثابت بمانند آيا مي‌توان از اخلاق جهاني نوين سخن گفت؟

و. ضرورت و امکان همسان سازی شعائر و رفتارهای دینی نزد پیروان ادیان مختلف

آیا میتوان در جهان جهانی شده از یکپارچگی آیین و شعائر دینی سخن گفت؟ اگر لازمهایی جهانی شدن تحقق نظامی واحد بر جهان و یکپارچگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و حتی نظامی در عین حفظ اقتصاد و سیاست و فرهنگ بومی است، آیا یکپارچگی دینی میتواند با حفظ تعدد ادیان تحقق یابد؟ و یا اگر بر اساس اعتقاد برخی صاحب نظران جهانی شدن به مثابهایی یکسان سازی باشد، آیا جهانی شدن دین به مفهوم وحدت همهایی دینداران گرد يك دين واحد خواهد بود؟ آیا میتوان مشترکات عبادی و آیینی ادیان را به عنوان جنبههایی جهانی شده دین برجسته کرد و مفترقات آن را به چشم جنبههایی بومی و محلی يك دين نگریست؟

این چالش ها و پرسش ها را که ناظر به خود دین و آموزههایی دینی است و پاسخ دین مدارانه میخواهد طلبد میتواند چالش های نظری و معرفتی جهانی شدن برای دین نامید. دستههایی دیگر از چالش ها ناظر به تحقق بیرونی دین و ساحت عرفی آن است که میتواند آن را چالش های عینی و بیرونی جهانی شدن برای دین نیز نام نهاد. مهمترین این چالش ها را نیز به این شرح میتواند برشمرد:

چالش های ساحت عرفی دین در مواجهه با جهانی شدن

الف. شکسته شدن اقتدار دین

اقتدارشکنی یکی از اصلی ترین پیامدها و شاخصههایی جهانی شدن است. گرچه جهانی شدن در جوهر خویش نوعی اقتدارگرایی را به همراه دارد، اما این اقتدار نوین اقتدارهای پیشین را که معمولاً محدودتر و محلی تر است از بین میخواهد برد. اقتدار دین در کشورهای مختلف و دامنهایی تأثیرگذار آن بر دیگر شؤون اجتماعی مانند اقتصاد و فرهنگ و مانند آن انکارپذیر نیست، آیا این اقتدار در صورت تحقق جهانی شدن حفظ خواهد شد؟ جهانی شدن با ابزارهایی که در اختیار دارد، مخاطبان پیام های دینی را از فضای

محدود معبد و کلیسا و مسجد بیرون می‌برد و امکان دسترسی به انواع پیام های دینی را در همه جا برای او فراهم می‌آورد. مبلغ دینی در فضاهای سنتی هر آنچه صلاح می‌دانست در اختیار مخاطب قرار می‌داد و نسبت به او از اقتدار کافی برخوردار بود، اما جهانی شدن این مخاطبان را از حیطه‌ی اقتدار مبلغان و پیشوایان دینی دور می‌سازد و اقتدار سنتی نهادی مذهبی را فرو می‌ریزد و به مخاطبان قدرت انتخاب پیام های دینی و مذهبی می‌بخشد و مرز تعریف شده و به رسمیت شناخته شده‌ی بین ارسال کننده و دریافت کننده‌ی پیام مذهبی را بر هم می‌ریزد ([25]) در بخش پایانی مقاله اشاره خواهیم کرد که همه‌ی ادیان نسبت به این چالش وضعیتی برابر ندارند.

ب . سست شدن هویت دینی

جهانی شدن هویت‌زد است. هویت دینی یکی از هویت های ماندگار بشری است. اغلب انسانها به همان اندازه که به هویت ملی و تاریخی خود دل بسته‌اند هویت دینی خود را نیز ارج می‌نهند و بدان غیرت می‌ورزند. دینداران باید نگران تهدیدهای جهانی شدن برای این هویت باشند. اگر مبلغان دینی با تکیه بر این هویت محملی برای انتقال پیام خود به مخاطبان می‌یابند با سست و بی‌رنگ شدن این هویت، مسیر تبلیغ دینی با موانعی جدی روبرو خواهد شد. باز هم در ادامه‌ی مقاله نگاهی از زاویه‌ی دیگر به این موضوع خواهیم داشت.

ج. محدود شدن حرکت فزاینده و دین‌مداران‌ه‌ی سکولاریسم‌زدایی در دهه‌های اخیر

جهانی شدن به مفهوم مصطلح عرف‌گرایی (سکولاریسم) را در جهان گسترش خواهد داد. در چند دهه‌ی اخیر تأملاتی جدی نسبت به اعتبار و کارآئی سکولاریسم پدید آمده است و حرکت های فراگیر احیاگران‌ه‌ی دینی در تلاش برای سکولاریسم‌زدایی از جهان چه در جنبه‌ی معرفتی و کلان و چه در حیطه‌ی خرد رخ نموده است. ([26])

“ بازگشت جهانی اندیشه‌های دینی و جنبش‌های اجتماعی یکی از غیرمنتظره‌ترین رویدادهای است که در پایان قرن بیستم به وقوع پیوسته است. آن چه باعث می‌شود تا این خیزش مذهبی بعدی جهانی یا بد، آن است که این پدیده، در برهه‌های خاصی از زمان (تقریباً از اواخر دهه‌های 70) در میان فرهنگ‌های گوناگون و در درون نظام‌هایی با سطوح متفاوتی از توسعه‌های اقتصادی شکل گرفته است. غیرمنتظره بودن چنین تحولاتی از آن روست که این پدیده آراء و اندیشه‌های پذیرفته شده در مورد توسعه‌های سیاسی، نوسازی و سکولاریسم را با چالش جدی مواجه کرده است.” ([27])

جهانی شدن، چون خاستگاهی عرفی (سکولار) دارد، این حرکت‌های سکولارزدا را با خطر روبرو خواهد ساخت.

د. کاهش نقش رسانه‌های سنتی دینی

رسانه‌های ارتباطی اصلی‌ترین ابزار تحقق جهانی‌شدن در حیطه‌های فرهنگی هستند. این ابزارها اکنون جای خود را در همه‌های جوامع به ویژه در میان تحصیل‌کرده‌ها و ساکنان شهرهای بزرگ باز کرده‌اند و با توجه به نقش الگویی این اقشار برای دیگر اقشار اجتماعی عملاً فرهنگ مورد علاقه‌های طرفداران و طراحان جهانی‌شدن از طریق همین ابزارها در حال رخنه به رگهای پیکره‌های فرهنگی جهان است. البته این رسانه‌ها به دلیل قابلیت‌هایی که دارند از بین‌برونده نیستند ولی اگر تدبیری مناسب برای صیانت از آنها اندیشیده نشود کارکرد و نقش آفرینی‌های آنها محدودتر خواهد شد. رسانه‌های سنتی دینی در جوامع اسلامی مانند منبر و مسجد و مجالس وعظ و عزاداری اصلی‌ترین ابزار دینداران و علاقمندان گسترش فرهنگ دینی برای انتقال پیام‌های دینی بوده است و اگر این رسانه‌ها تحت تأثیر جهانی‌شدن و در میدان رقابت با رسانه‌های جدید نتوانند ادامه‌های حیات دهند و یا تحت تأثیر فرهنگ جدید مورد بی‌مهری قرار گیرند، انتقال پیام دین و فرهنگ‌سازی دینی با مشکلاتی جدی روبرو خواهد شد و این چالش نیز باید مورد توجه قرار گیرد، البته این چالش نیز به شرط مواجهه‌های سنجیده و با درایت می‌تواند به یک فرصت تبدیل شود.

ه. تطبیق‌پذیری نهادهای دینی با شرایط جدید

دین گرچه خود يك نهاد اجتماعي و به تعبيري دقيقاً تر يك فرانهاد است ولي داراي زیرنهادهايي است که جریان امور ديني از طريق آنها صورت می‌گیرد. این نهادها به صورت نهادهاي خیریه، نهادهاي مالي و اقتصادي، نهادهاي آموزشي، نهادهاي فرهنگي، نهادهاي تبليغي، نهادهاي عبادي و مانند آن تاکنون وجود داشته‌اند. چگونگي تداوم فعاليت این نهادها در عصر جهاني شدن، هم از نظر تأمین پشتوانه‌ها و چگونگي هزینه‌ها و هم از نظر فرصتها و نیازهاي نوپديد و ضرورت تأسیس نهادهاي جديد مسأله‌اي جدي است که دینداران باید نسبت به آن هوشیاري و تدبیر لازم را داشته باشند.

و. تداوم ویرانگري اندیشه و ارزش هاي غربي

تجربه‌اي چند قرن اخير نشان می‌دهد که هر چه از جانب غرب به کشورهای اسلامي و شرقي رسیده است، بیش از آنکه گرهی از آنها بگشاید بر مشکلاتشان افزوده است. گرچه معدودي از اندیشه‌وران بصیر ديني همواره متوجه پیامدهاي سلطه‌اي اندیشه و ارزش و رفتار غربي بر شرق بوده‌اند و آن را پیش‌بینی کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند، اما تاريخ گواه این است که معمولاً پس از رخنه و استقرار این اندیشه‌ها و ارزشها پیامدهاي ویرانگر آن بر همه آشکار شده است. اکنون نیز تحفه‌اي نو از غرب در حال رخنه و استقرار تدريجي در جهان است، آینده‌نگري مبتني بر تحليل روند گذشته این احتمال را قوت می‌بخشد که دین داران به ویژه در مشرق‌زمین، در عالم بی‌خبري و در گرد و غبار و هیاهوي ساختگي به دنياي مبهم پا نهند و بی‌اینکه تصوري از دنياي جديد داشته باشند، ناگاه خود را اسیر دامی([28]) بیابند که بر سر راه آنها گسترانده‌اند. در تجربه‌اي تاريخي سطره‌اي تمدن غرب بر شرق بیش از هر چیز دیگر دینداري لطمه دید و اکنون نیز با سطره‌اي محصولي دیگر از این تمدن – که شاید بتوان آن را آخرین و مهمترین دستاورد تمدن غرب نامید – دینداران باید بیش از هر زمان دیگر نگران صدمه دیدن دینداري باشند. دغدغه جهان اسلام و متفکران اسلامي در شرایط کنوني و در روند کنوني جهاني شدن نسبت به هویت و فرهنگ اسلامي، امري بدیهي و طبیعي است. تن دادن به جهاني شدن به صورت کنوني يعني پذیرش الگوهاي غرب در زمینه اقتصاد، سیاست و فرهنگ و دیگر شؤون زندگي فردي و اجتماعي. این نوع جهاني شدن به طور قطع براي جهان اسلام، هزینه‌هاي و خطرات و تبعات سنگيني در پی خواهد داشت.

([29]) خطر غربی‌سازی و امریکایی‌سازی جهان اغلب متفکران متعهد را به موضع‌گیری واداشته است و در کمتر جنبه‌ای از جنبه‌های جهانی شدن است که سخن از خطرات و آفات آن برای بشریت سخن به میان نیامده باشد. ([30])

جهانی شدن به دو صورت غیرمستقیم نیز دین را به چالش می‌خواند:

الف. حوزه‌های مرتبط با دین - دین، به ویژه بر پایه‌ی اعتقاد به جامعیت آن، دارای کارکردهایی متنوع است و با اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی و به ویژه فرهنگ ([31]) مرتبط است و بر آنها اثرگذار است. این اثرگذاری گاه جنبه‌ی نظری دارد و تلاش‌هایی که برای طراحی و سامان دادن اقتصاد و فرهنگ مبتنی بر آموزه‌های دینی صورت می‌بندد در این چارچوب قابل بررسی است ولی علاوه بر این جنبه‌ی معرفتی در واقعیت اجتماعی نیز شاهد اثرگذاری باورها و آیین‌های دینی در شؤون مختلف جامعه هستیم که نمونه‌هایی از آن را در رونق و رکود پاره‌های فعالیت‌های اقتصادی و جایگاه دین و دینداران در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی و تأثیر دین در فرهنگ جوامع بشری و مانند آن می‌یابیم. با توجه به تأثیرپذیری همه‌ی این حوزه‌ها از جهانی شدن، دین نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق این حوزه‌ها رویارویی با جهانی شدن را تجربه می‌کند. یعنی دین - صرف‌نظر از تعامل مستقیم خود با جهانی شدن - در يك اقتصاد و فرهنگ و سیاست جهانی‌شده و یا متأثر از جهانی شدن نیز با مسایلی نوپدید مانند مسأله‌ی زنان و یا مسایل حقوقی جدید روبروست که باید نسبت به آنها درکی درست و موضعی سنجیده و بایسته داشته باشد.

ب. هویت فردی دینداران - شکل دیگر تأثیرگذاری غیرمستقیم جهانی شدن بر اندیشه و رفتار دینی تأثیرپذیری فردی و شخصی اندیشمندان و رهبران و متولیان امور دینی است که هر نوع تغییر فکر و گرایش در آنها به طور طبیعی و قهری بر مسایل مربوط به دین نیز اثرگذار است.

طرفیت‌ها و فرصت‌ها

جهاني شدن مانند اغلب پديده‌هاي بشري يکسره چالش‌آفرين و تهديد کننده نيست، بلکه ظرفيت ها و فرصت هايي جديد نيز براي دين([32]) پديد مي‌آورد، گرچه وجه غالب آن به ويژه به شکل کنوني سلبي است. با شناخت اين فرصتها و بهره‌گيري مناسب از آنها مي‌توان از تأثيرات منفي جهاني شدن کاست. تبديل تهديد ها به فرصت ها به صورتي چشمگير در سيره‌ي حضرت ختمي مرتبت، آخرين فرستاده‌ي خدا محمد مصطفي صلي الله عليه و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين به چشم مي‌خورد و بر پيروان آن حضرت است که آنان نيز تهديد ها را نيك بشناسند ولي از آن نهراسند و بکوشند آن را به مزيت و ظرفيت مبدل سازند. اهم فرصت هاي ناشي از جهاني شدن براي دينداران و انديشمندان ديندار چنين است:

الف . ايجاد تحرك در اندیشه‌ي ديني و جنبش هاي ديني – موج جهاني شدن، امکانات آن و نگراني ها و دغدغه‌هاي ناشي از آن گروه ها و متفکران ديني را به تکاپو واداشته است و آنها با به کار گيري توانمندي هاي ناشي از عصر جديد به ويژه رسانه‌ها توانسته‌اند خود را بازيابند و به فکر تقويت نقش و جايگاه خود در جهان بيافتند. مسائل مربوط به جهاني شدن سبب انگيزه يافتن گروههاي ديني براي تعامل و يا درگير شدن با امور اجتماعي شده است و حساسيت آنها را نسبت به مسائل جامعه به طرز چشمگيري افزوده است.

“انقلاب ارتباطات عصر حاضر به عنوان يکي از جنبه‌هاي مهم فرآيند جهاني شدن، با اهميت دادن به اين تشکلهاي مذهبي، اجتماعي و بعضاً سياسي نقش عمده‌اي در توسعه و پيشبرد آنان ايفاء نموده است.” ([33])

ب . فراهم آمدن فرصتي براي ارايه‌ي نظريه‌ي ديندار محور در باره‌ي جهاني شدن با توجه به بحران معرفتي غرب – جهاني شدن به صورت کنوني با بسياري از جريان هاي فکري پديد آمده در غرب تفاوت دارد. همانطور که پيش از اين به روشن نبودن تعريف جهاني شدن اشاره کرديم، جهاني شدن نه يك نظريه‌ي مدون است و نه مباني معرفتي آن به روشني به گونه‌اي که مورد وفاق انديشمندان باشد تبیین شده است و نه نظريه‌پرداز مشخصي دارد. در باره‌ي چيستي آن که آيا ادامہ‌ي مدرنيسم است و يا از تجليات

پست-مدرنیسم یا مولود و نتیجه‌ی طبیعی سرمایه‌داری اختلاف نظر وجود دارد. جهانی شدن يك قالب است، این لفظ بر خلاف دمکراسی و لیبرالیسم و مانند آن يك اندیشه و فکر مشخص را القا نمی‌کند. در پس این قالب و طرف، این سؤال مطرح است که چیز باید جهانی شود، مثلاً در حیطه‌ی فرهنگ آیا باید يك فرهنگ از میان همه‌ی فرهنگ‌ها بر دیگر فرهنگ‌ها سایه افکند و آنها را در خود تحلیل برد و یا باید فرهنگی نو از درهم‌کرد فرهنگ‌های دیگر پدید آید؟ در این صورت با کدام ساز و کار این موضوع می‌تواند تحقق یابد؟ کدام عنصر از عناصر تشکیل دهنده‌ی فرهنگ‌ها قابلیت ادغام در یکدیگر و خلق عنصری جدید را دارد؟ کدام گفتمان قابلیت پذیرش عمومی را دارد و به عنوان گفتمان توانمند برای توجیه همه‌ی جوانب جهانی شدن به کار می‌آید؟ حتی مراد از این قالب – یعنی جهانی شدن – نیز به درستی معلوم نیست. آیا جهانی شدن – مثلاً در حیطه‌ی فرهنگ – تنها به معنی سهولت دسترسی هر کس در هر نقطه‌ی جهان به هر نوع داده و اطلاعات است؟ یا به معنای سیطره‌ی رسانه‌ی؟ یا به معنای تعامل اندیشه‌ها در مسیر رسیدن به وفاق اندیشه‌ی؟ اینها و دهها پرسش از این دست در برابر جهانی شدن وجود دارد که هنوز بدانها پاسخ داده نشده است.

این ضعف معرفتی می‌تواند تحقق و تداوم جهانی شدن مصطلح را با چالشی جدی روبرو سازد. توجیه معرفتی جهانی شدن دغدغه‌ی بسیاری از اندیشمندان است. ([34]) با توجه به قابلیت اندیشه‌ی دینی برای نظریه‌پردازی در این زمینه و تولید گفتمان دینی جهانی شدن در کنار دیگر گفتمانها و اثبات برتری آن بر دیگر گفتمانها مجمعی از صاحبان اندیشه‌ی دینی که شناخت کافی از دنیای جدید داشته باشند می‌توانند با ارائه‌ی يك تئوری دین-محور در باره‌ی جهانی شدن، گفتمانی دینی را به جای دیگر گفتمانها حاکم سازند. چنین تلاشی اگر بر مطالعات عمیق علمی استوار باشد و به زبان علمی ارائه شود بدون تردید با اقبال صاحبان اندیشه در دنیا روبرو خواهد شد. این يك فرصت استثنائی است که به دنبال طرح اندیشه‌ی جهانی شدن در برابر اندیشمندان دینی فراهم آمده است.

ج . فراهم آمدن ظرفیتی جهانی برای مخاطبان پیام دینی – پیش از این نیز اشاره شد که رسانه‌های اصلی‌ترین ابزار جهانی شدن در حیطه‌ی فرهنگ هستند. تحول در رسانه‌ها و جهانی شدن حیطه‌ی مخاطبان آنها ابزاری دو سویه است که دینداران نیز می‌توانند از آن بهره گیرند. رسانه‌های صوتی و تصویری و چندرسانه‌ی و الکترونیکی به همان صورت که ابزار سیطره بخشیدن به افکار و ارزش‌های امریکایی و

صهیونیستی است می‌تواند در خدمت افکار و ارزش‌های دینی نیز قرار گیرد. امروزه شرایطی بالنسبه مطلوب برای استفاده همگان از این امکانات پدید آمده است. این نکته حایز اهمیت بسیار است که نخستین واکنش گروه‌های دینی به عصر اطلاعات به کارگیری رسانه‌های نوین در فعالیت‌های تبلیغی بوده است. ([35])

“ اکنون برای هر دین و مذهبی این امکان وجود دارد که فراسوی مرزهای ملی اشاعه یابد؛ حتی به جنبش‌های دینی کوچک نو پیدا اجازه می‌دهد در فعالیت‌های تبلیغی خارج از کشور شرکت کند و به پیشرفت‌های دینی نوینی که تاکنون دیده نشده است، تبدیل شود. این شتاب سریع «عصر ارتباطات» هم اکنون پدیده‌ای را به وجود آورده است که می‌توان آن را «جهانی شدن دین» نامید... اگرچه غیر ممکن است که برآورد کنیم این روند در آینده چطور گسترش پیدا خواهد کرد، احتمالاً اطلاعات دینی به طور فزاینده به روش‌هایی متفاوت با روش‌های شناخته شده قبلی جریان خواهد یافت؛ اشکال نوین نهاد دینی شکل خواهد گرفت و محتوا و مضمون فعالیت‌ها و آموزه‌های آنها تغییرات پر آشوب و متلاطم تری را نسبت به گذشته تجربه خواهد کرد. به این ترتیب دین در مجموع با نقطه عطف بزرگی مواجه می‌شود. ” ([36])

این موضوع با توجه به دین‌گرایی نوین جهانی اهمیتی مضاعف می‌یابد. جهان هم از روحی و عاطفی برای پر کردن خلأ معنوی و اخلاقی خود به دین روی آورده است و هم از جنبه‌ی فکری و معرفتی با اذعان به ناکارآمدی‌های ایدئولوژی لیبرال دمکراسی، سامان زندگی خود را در نظریه‌هایی با رویکرد فرهنگی و اخلاقی و معنوی جستجو می‌کند و ظرفیتی نوین برای حاملان پیام دین پدید آورده است که در سایه‌ی آن می‌توانند هم توده‌های مردم و هم نخبگان جامعه را با آموزه‌های دینی آشنا سازند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رشد سریع فرق‌پرستانیزم مسیحی به ویژه در آفریقا و آمریکای لاتین، اوج‌گیری قدرت سیاسی احزاب ملی‌گرای هندو در هند و افزایش اهمیت جنبش‌های جدید بودایی در آسیای جنوب شرقی همگی در این راستا قابل درک هستند. بررسی انواع ناآرامی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جهان نشان می‌دهد که بسیاری از مردم تحقق نیازهای خود را قاطعانه در پیوستن به گروه‌ها و جنبش‌های مذهبی می‌بینند. ([37])

“ امروزه یافتن کشوری که در آن مذهب در رأس موضوعات اصلی سیاسی – اجتماعی جامعه قرار نگرفته باشد، دشوار است.” ([38])

“ بسیاری از مردم برای رویارویی با ابهامات بی‌شمار عصر خود به دنبال راه‌حل‌های دینی هستند.” ([39])

“ بستر به طور مشخص به توصیف روشی می‌پردازد که دین از طریق آن می‌تواند شناخت بهتری از مشکلات اصلی زندگی بشری نظیر شکست، ناامنی، رنج، ضرر و زیان ارایه دهد.” ([40])

هویت بشر امروز در معرض تهدید جدی است، جهانی شدن با هویت‌های محدود منطقه‌ای و ملی و قومی در تعارض است اما با توجه به توانمندی‌های دین برای خلق هویتی نوین که فراتر از منطقه و ملت و زبان و قوم خاص است، اندیشه‌وران دینی می‌توانند با استفاده از فرصت موجود و نگرانی عمومی از تهدیدهایی که متوجه هویت‌هاست قابلیت هویت‌بخشی دینی را هویدا کنند و آن را به نمایش بگذارند. پیش از این اشاره شد که جهانی شدن هویت دینی را نیز در معرض تهدیدات خود قرار می‌دهد ولی دینداران با درک این نکته که هویت دینی امری فطری و جزء لاینفک هویت انسانی انسان‌هاست، نباید نگران تداوم این هویت باشند ولی باید نسبت به میزان پایبندی به این هویت، حساسیت خود را از دست ندهند. دین بدون مرزترین پدیده‌ای است که در بین بشر رواج داشته است و اصولاً فراتر از قید و بند جغرافیاست پس به هم ریختن مرزها و قید و بندهای جغرافیایی ناشی از جهانی شدن جای نگرانی ندارد. اینها همه در کنار قابلیت‌های و توانمندی‌های رسانه‌های نوین، فضایی را به فراخی هم‌هنگامی جهان برای مخاطبان پیام‌های دینی فراهم می‌سازد. ([41])

د . فراهم آمدن زمینه‌ای تجلی توانایی بدیل‌ناپذیر دین برای بسیج حق‌طلبان‌های توده‌های مردم –

وقتي نظمهاي موجود تحت تأثیر جهاني شدن بر هم بریزد کدام قدرت میتواند در سطح جهان افراد و گروهها را به پذیرش نظمي جديد فراخواند. دين ضمن برخورداری از توان ارائه‌ي نظر در باره‌ي ماهيت و محتوای نظم جديد اجتماعي جهاني و خلق ارزشهاي اجتماعي جديد توانايي لازم را براي واداشتن مردم به رعایت این نظم جديد دارد. دين هم در خلق ارزشهايي که رفتار اجتماعي مردم را در سرزميني مشخص رقم میدهد نقش دارد و هم در سلسله مراتب ارزشهاي اجتماعي. این دين است که ارزشهاي غائي را تعیین میکند. ([42]) این توانايي دين در صحنه‌ي بین‌الملل نیز باقی است و میتواند ادعا کرد که تنها دين است که میتواند چنین سیستم ارزشي و نظامي نو را در سطح جهان پديد آورد و انگیزه‌ي کافي در همه‌ي مردم جهان براي پذیرش و رعایت آن پديد آورد. این نکته با نگاهی به دیدگاههاي دين‌پژوهان در باره‌ي نقش اجتماع دين روشن‌تر میشود، هم‌خانواده بودن واژه‌ي لاتین دين يعني Religion با واژه‌هاي مرتبط به وحدت بخشي (relate و مشتقات آن) براي برخي نظريه‌پردازان ملهم انسجام‌بخشي دين بوده است. ([43]) ارزشها زیرساخت سیستمهاي اجتماعي است و دين میتواند در خلق این ارزشها يک‌تازي بیل‌رقيب باشد و توافقي گسترده را در سطح جامعه تضمین نماید([44]) و اعتقاد به تقدس آموزه‌هاي ديني نیز پایبندی مردم به آنها را فزون‌تر میکند. به عنوان مثال اکنون که واضح است دولتهاي مانند امریکا هیچ قرائتي جز قرائت زر و زور از جهاني شدن ندارند، کدام اهرم استوارتر از دين میتواند در مقابل آنها بایستد و مردم را به مقاومت فرا خواند؟ اگر در شرایط کنونی جهان اسلام که کافران بر خلاف نص صریح قرآن،([45]) سوداي سلطه بر مسلمانان را به عمل مبدل کرده‌اند مجامعي همچون مجمع الفقه الاسلامي، جامع الازهر و مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي در حرکتی هماهنگ و متحد فتوای حرمت خرید و فروش با امریکائيان و حرمت معامله با دلار امریکايي را صادر کنند هیچ چیز میتواند مانع فرار و بلکه فروپاشي ذیلان چکمه‌پوشان خونخوار شود؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناخت ظرف چالشها و فرصتهای جهاني شدن گام نخست مواجهه‌ي با یستةي اندیشه‌وران ديني با آن است. خوشبختانه تلاشهاي در این زمینه شکل گرفته است ولي باید این تلاشهاي پراکنده را در تعامل با یکدیگر به يك وفاق اندیشه‌ي و رفتار مبدل ساخت. از جمله در ماه مارس سال 2002م. همایش با عنوان “ فرهنگ عربي در عصر جهاني شدن ” با حضور اندیشمندان کشورهای اسلامي عربي در مرکز فرهنگ جمعه ماجد برگزار شد. همچنین همایش با عنوان “ تاثیرات جهاني شدن بر دنياي اسلام در سده بیست و یکم ” در مالزی با حضور شخصيتهايي مانند ماهاتیر محمد برگزار شد. وي در این همایش توصیه‌هاي کاربردي قابل توجهي براي کاستن آثار منفي جهاني شدن بر جهان اسلام ارائه کرده است.([46]) و اکنون این همایش نیز نقطه‌ي امید دیگری است.

بر اساس آنچه گذشت، جهانی شدن با همه چالش‌هایی که فرا روی اندیشه‌ی دینی و حیات دین‌داران می‌نهد ظرفیتی را نیز پدید می‌آورد که می‌توان آن را جهانی شدن دینی نامید. جهانی شدن دینی یعنی جهانی شدن بر مدار دین و مبتنی بر گفتمان دینی و به حکم شواهد و قرائن بسیار با قاطعیت می‌توان حکم کرد که هم از جنبه‌ی نظری و هم از جنبه‌ی عینی و عملی تنها این تلقی و درک از جهانی شدن امکان توفیق دارد. حتی اگر نظریه‌ی جرج نحاس را بپذیریم که جهانی شدن برای بشر خطر ندارد و با تربیت می‌توان از آن استفاده‌ی مثبت و مطلوب کرد، کدام سرچشمه‌ی زلالي جز دین پاک تحریف نشده می‌تواند این تربیت را در اختیار بشر قرار دهد؟

“ پدیده جهانی شدن ابعاد و ظواهر مثبتی دارد که به فرد امکان می‌دهد تا با شایستگی و تهذیب، مرز جغرافیایی خود را پشت سر نهاده، پیوسته افکار خویش را به صورتی زیبا و نو عرضه نماید، از جریان‌ات جاری اطلاع پیدا کند و در زمان مناسب، موضع مناسبی در برابر آن اتخاذ کند.” ([47])

به راستی این شایستگی و تهذیب از کجا به دست می‌آید؟

“ جهانی شدن دینی، تنها جهانی شدن محتمل و واقعی و حقیقی است. صحبت از جهانی شدن بدین معنا است که اصولی جهان شمول باید وجود داشته باشد تا در سراسر عالم حاکم شود و همه انسان‌ها آن را بپذیرند. پس جهانی شدن با نوعی جهان شمولی همراه است و چه کسی می‌تواند مدعی جهان مشمولیت شود.” ([48])

“ فقط ادیان می‌توانند مدعی جهانی شدن باشند، حتی اومانیزمی که در واقع علیه خدا نوعی اعلام جنگ کرده نمی‌تواند ادعای جهانی شدن بکند، باید به يك حقیقه الحقایق و يك ارزش نهایی و وجود ضروری

باور داشت ... و دم از جهانی شدن زد. کما این که هم‌اکنون واقعیت جهان، حکایت از این می‌کند که فقط ادیان در ادعای جهانی شدن موفق بوده‌اند. ([49])

اگر به تفاوت “ جهانی شدن دینی ” و “ جهانی شدن دین ” توجه کنیم، باید این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که جهانی شدن دین بر خلاف جهانی شدن اقتصاد و جهانی شدن فرهنگ که به معنای سیطره‌ای اقتصاد و فرهنگ غرب بر سراسر جهان است به معنای سیطره‌ای دین قاطبه‌ای غربیها یعنی مسیحیت بر جهان نیست. جهانی شدن دین از آن دینی است که قابلیت پاسخگویی به نیازهای همه‌ای انسانها برای همیشه و مهمتر از آن توان مبنا و معیار و مدار قرار گرفتن برای سامان جدید زندگی بشر را داشته باشد.

برهم خوردن مرز میان ارسال کننده‌ای پیام و دریافت کننده‌ای پیام نمی‌تواند برای همه‌ای ادیان نگران کننده باشد. دینی که قابلیت تعمیم مسؤلیت انتقال آموزه‌های دینی و فراگیر کردن وظیفه‌ای تبلیغی و ارتباطی مهم امر به معروف و نهی از منکر را دارد به آسانی از شرایط آسان انتقال داده‌ها در مسیر اهداف خود بهره می‌جوید و نه تنها نگران از دست رفتن اقتدار خود نیست، بلکه از این شرایط برای افزایش اقتدار خود مدد می‌گیرد. اینچنین دینی نگران از بین رفتن مرز میان متخصص و غیرمتخصص نیست زیرا به استناد حکم عام “ کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة ” و فریضه‌ای دینی امر به معروف و نهی از منکر پیش از این رسماً اعلام کرده است که هر کس به اندازه‌ای که می‌داند متخصص است.

در چنین حالتی است که نه فقط معنویت دینی قابلیت جهانی شدن دارد ([50]) بلکه اندیشه‌ای دینی نیز می‌تواند جهانی باشد و بلکه باید گفت محدود کردن قابلیت جهانی شدن دین به وجه معنوی آن جفا در حق دین و خداست.

دکتر اکبر ص. احمد استاد پاکستانی الاصل دانشکده‌ای سیلوین کمبریج را به دلیل محتوای کتاب “ پست

مدرنیسم و اسلام “ که بخشهایی قابل توجهی از آن قابل دفاع نیست، نمیتوان یک متفکر اسلامی و یا مسلمان معتقد نامید و استناد به سخن او نمیتواند اظهار نظر یک اندیشمند غربی آشنا با اسلام به حساب آید:

“ تمدن اسلامی برای جهان و جهانیان چه ارمغانی دارد؟ در پاسخ باید گفت: ارمغانهای بسیار. نظریه‌ای اسلام در باب برقراری تعادل میان دین و دنیا تحفه‌ای بس ارزنده است و نمیتوان آن را آموزه‌ای اصلاحی و عامل بازدارنده‌ای دانست بر روند اشاعه‌ای تفکر ماتریالیسم که وجه بارز تمدن عصر ماست. توازن بین دین و دنیا، احساس همدردی، ورع و خاکساری را در ضمیر انسان‌ها بیدار میکند.” ([51])

دین توانمند دکه بی محقر در روستایی دورافتاده نیست که اگر ساکنان روستا به فروشگاههای بزرگ راه یافتند، محکوم به فنا و نابودی باشد، متاعی که در بازار دین و دینداری عرضه میشود در هیچ جای دیگر عرضه نمیشود و لذا بشریت همواره بدان نیازمند است. برآستی اگر ادیانی که داعیه‌ای جهانی بودن دارند در شرایطی برابر بتوانند فعالیت کنند آنگاه شاهد خواهیم بود دینی که از همان آغاز برای همه‌ی بشر در همه‌ی دورانها عرضه شد([52]):

(تبارک الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً) ([53])

اکنون وعده‌ای الهی در باره‌ی فراگیر شدن آن عینیت میشود:

(هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله) ([54])

قرآن کریم

آلستون، پییر و دیگران، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه: غلامحسین توکلی (و احد کلام و فلسفه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمی‌ی قم، 1376ش.

ابورابی، ابراهیم، جهان‌ی شدن، حساسیت متقابل اسلامی معاصر، گزیده‌ی مقالات و متون در باره‌ی اسلام و دنیای معاصر، مدیریت مطالعات اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی – بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، صص 71 – 102

احمد، اکبر ص.، پسند مدرنیسم و اسلام، ترجمه: فرهاد فرهمندفر، تهران: نشر ثالث با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها، 1380ش.

افروغ، عماد، ما وجهانی شدن، ماهنامه‌ی داخلی گزارش‌گفتمان، کانون اندیشه‌ی جوان، پیش‌شماره‌ی سوم، 1381ش.

افروغ، عماد، رنسانسی دیگر، تهران: کتاب آشنا، چ1، 1381ش.

الویری، محسن، آسیب‌شناسی جهانی شدن دین، اندیشه‌ی صادق، شماره‌ی 5، زمستان 1380، صص 2 – 5.

ایران و پدیدهای جهانی شدن ، گفتگو با آقایان دکتر مرتضی قره‌باغیان، حجت الاسلام و المسلمین
محمدرضا مالک و دکتر فرشاد مؤمنی، مجله‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی 4 ، زمستان 1380، صص 7 – 23.

بیتر مارتین، هانس ؛ شومان، هارالد، فخ العولمة: الاعتداء علي الديمقراطية والرفاهية، الكويت:
عالم المعرفة، 1419ق. / 1998م.

پژوهنده، محمدحسین، استحاله فرهنگ دینی در پروژه‌ی جهانی‌سازی ، ماهنامه‌ی نگاه حوزه ، شماره‌ی
88 – 89 ، بهمن 1381.

توسلی، مجید، جهانی شدن، نظریه‌ها و دیدگاهها ، ماهنامه‌ی داخلی گزارش گفتمان، کانون اندیشه‌ی
جوان، پیش‌شماره‌ی سوم، 1381ش.

جعفرپور کلوری، رشید، “ جهانی شدن و الگوی کیت‌نش” ، اندیشه‌ی صادق، شماره‌ی 5، زمستان 1380، صص
49 – 46

جعفرپور کلوری، رشید، فرهنگ اسلامی در عصر جهانی شدن ، استاد راهنما: پورمحمدی، پایان‌نامه‌ی
کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشکده‌ی معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق
علیه السلام، 1381

جلالي مقدم، مسعود، درآمدي به جامعه‌شناسي دين و آراء جامعه‌شناسان بزرگ در باره‌ي دين، تهران: نشر مرکز، ج 1، 1379ش.

جهاني شدن يا جهاني سازي (سرمقاله)، مجله‌ي اقتصاد اسلامي، شماره‌ي 4، زمستان 1380، صص 3 - 6.

دين‌پژوهي، دفتر اول و دوم، ترجمه: بهاء‌الدين خرمشاهي، تهران: موسسه‌ي مطالعات و تحقيقات فرهنگي (پژوهشگاه)، ج 1، 1372ش. - 1373ش.

رهدار، احمد، جهاني شدن و خروج از تاريخ (بخش اول)، پگاه حوزه، شماره‌ي 88، شماره‌ي 88، بهمن 1381، صص 9 - 11.

شبستري، معصومه، جهاني‌سازي فرهنگ‌ها، ماهنامه‌ي نگاه حوزه، شماره‌ي 88 - 89، بهمن 1381.

شعبانلو، حسن، جهاني شدن؛ تهديد يا فرصت، اندیشه‌ي صادق، شماره‌ي 5، زمستان 1380، صص 56 - 63.

قراگوزلو، محمد، جهاني شدن و تنوع فرهنگ‌ها، باشگاه اندیشه، 26 / 1 / 82.

کیانی، (داود) (مصاحبه)، مصاحبه با کیانی مترجم کتاب دین، جهانی شدن و جهان سوم نوشته جف هینس، همشهری، 9 / 12 / 1381 - سال یازدهم - شماره 2992.

کیانی، داود، مقدمه‌ای بر جهانی شدن، اندیشه‌های صادق، شماره‌های 5، زمستان 1380، صص 28 - 35.

گودرزی، غلامرضا، جهانی شدن؛ خطر یا رؤیا، الزام یا انتخاب، اندیشه‌های صادق، شماره‌های 5، زمستان 1380، صص 6 - 13.

مجرد، محسن، دیدگاه‌های مختلف در باره‌های جهانی شدن، اندیشه‌های صادق، شماره‌های 5، زمستان 1380، صص 46 - 49.

مددی‌پور، محمد، سیرتفکر معاصر (کتاب اول: زمینه‌های تجدد و دین‌زدایی در ایران؛ کتاب دوم: تجدد و اصلاح دین در اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی)، تهران، تربیت، چ 1، 1372ش.

مک‌گرو، آنتوني، فرآيند چند بعدي، نگرش يك بعدي ، ترجمه: عليرضا حيدري ، جام جم، سه شنبه ، 2
اردي‌بهشت 1382 .

<http://www.jamejamdaily.net/shownews2.asp?n=32342&t=con>

ملكيان، مصطفي، معنويت در عصر جهاني شدن، همشهري ، سه شنبه 5 شهريور 1381 ، شماره 2822

مولانا، حميد، جهاني شدن؛ چالشها و پاسخها ، كيهان، 24 / 5 / 81

<http://www.bionvan.com/papers.php?cat=mowlana&show=810524-18>

مهاتير محمد، روند جهاني شدن به اصلاح نياز دارد

<http://www.eresaneh.com/Persian/farhangi/Archive/ravand%20jahani%20shodan.htm>

ميرسپاسي ، علي ، جهاني شدن، تكنولوجي اطلاعاتي و توسعه‌ي فرهنگي ، نشره‌ي الكترونيكي فرهنگ و

نحاس، جرج، جهانی شدن، انسان شناسی و آزادی در تربیت ، ترجمه: طاهره اختري، روزنامه‌ای انتخاب، شماره‌ای 304، 11 / 2 / 1379، ص 6؛ شماره‌ای 305، 12 / 2 / 1379، ص 6 و شماره‌ای 306، 13 / 2 / 1379، ص 7.

نخبگان دینی و عصر اطلاعات ، 16 / 1 / 82 ،

<http://www.eresaneh.com/Persian/farhangi/Archive/nokhbegan%20dini.htm>

نوباتاکا، اینو، جهانی شدن دین در عصر اطلاعات ، ترجمه: فیروزه درشتی،

<http://www.eresaneh.com/Persian/farhangi/Archive/jahani%20shodan%20din.htm>

واعظ، حسام‌الدین، جهانی شدن جهان اسلام و سیاست‌های جهانی، مشکوه، شماره‌ای 62 – 65، 1378ش. صص 82 – 102.

هلد، دیوید، جهانی‌سازی و نابرابری‌های فزاینده ، ترجمه: زرین‌تاج سعدآبادی، جام جم ، سه‌شنبه، 2 اردیبهشت 1382.

هینس، جف، دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم؛ ترجمه: داود کیانی، تهران: پژوهشکده‌ای مطالعات راهبردی، 1381ش.

Ahmad Khan, Javed, Social Sciences in Islamic Perspective:

A Bibliography Literature 1975 – 2000, New Delhi, Institute of Objective Studies,
2001,xiv,286p,ISBN: 81-85220-58-1.

Dawson, Christopher, Religion and Culture, New York; Cleveland: World Publishing Company,
1962

Haynes, Jeff, (Editor), Religion, Globalization and Political Culture in the Third World,
G.B.:Macmilan Press LTD; USA; ST.Martin's press,INC,, 1999.

<http://globalization.about.com/cs/antiglobalization/index.htm>

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/bibliog.htm>

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/cultural/index.htm>

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/define/hermantk.htm>

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/intropg.htm>

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/websites.htm>

([1]). عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

([2]). دین‌پژوهی، دفتر اول، ص 93 - 95؛ جلالی‌مقدم، ص 19؛ آلستون، ص 19 - 24

ک.ر همچنین "فرهنگها در دین منطوق و مفهوم" و دین تعریف برای 25؛ - 24 صص، آلستون ([3]).
مددیور، دفتر اول، صص 21 - 54 و دفتر دوم، صص 37 - 47

([4]). جلالی مقدم، صص 18 - 19

([5]). دین‌پژوهی، دفتر دوم، ص 355

([6]). جلالی‌مقدم، ص 19

([7]). همیلتون، ص 5

([8]). همیلتون، ص 9

([9]). همو، ص 7

([10]). جلالی-مقدم، ص 22

([11]). دین‌پژوهی، دفتر دوم، صص 396 – 397

([12]). جلالی-مقدم، ص 48؛ به نقل از: N Robert, Bellah, "Religion of Sociology The",
International Encyclopedia of the Social Science, Vol, 13, p. 406

([13]). دین‌پژوهی، دفتر دوم، ص 371

([14]). جاوید احمد خان در مأخذشناسی خود که محدوده‌ای زمانی 1975 تا 2000 میلادی را شامل می‌شود،
3000 اثر را برگزیده و معرفی کرده است. Khan Ahmad.

([15]). دین‌پژوهی، دفتر اول، ص 173

([16]). ملکیان، مصطفی، "دین و جهانی شدن"، و نقد آن در بازتاب اندیشه، شماره‌ای 10

([17]). هینس، صص 30 – 31، متن انگلیسی این کتاب نیز در دسترس و در فهرست منابع معرفی شده است
ولی با توجه به ترجمه‌ای آن به زبان فارسی، ارجاعات به متن فارسی است.

([18]). برای نمونه‌ای از عدم وحدت نظر در باره‌ای چیست جهانی شدن مقاله‌ای "ایران و پدیده‌ای
جهانی شدن"، صص 7 – 23 و نیز "جهانی شدن یا جهانی سازی"، صص 3 – 6؛ نیز رهدار، صص 7 – 8؛
کیانی، صص 29 – 30؛ جعفرپور، صص 46 – 48 و مجرد، صص 50 – 52

([19]). شبستری؛ برای گزارش و تحلیلی دیگر در باره‌ای شروع جهانی شدن، ر.ک. توسلی، جهانی شدن،
نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

([20]). رهدار، ص 8.

([21]). مک گرو، آنتونی، "فرآیند چند بعدی، نگرش یک بعدی"

([22]). جهانی شدن با سرمایه و ثروت و در پهنه‌ی بازرگانی و اقتصاد آ‌غاز شد ولی امروزه به سویی همه‌ی شوون زندگی بشر دامن گسترده است.

([23]). برای نگاهی به این وجه از جهانی شدن، به عنوان نمونه رک. هلد، دیوید، "جهانی‌سازی و نابرابریهای فراینده."

([24]). هینس، ص 122

([25]). نخبگان دینی و عصر اطلاعات

([26]). هینس، ص 19

([27]). هینس، ص 63 و برای بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع همو، فصل دوم، صص 63 – 92 با عنوان "دین و جامعه‌ی بین‌الملل"

([28]). نام کتابی نوشته‌ی هانس بیتر مارتین و هارالد شومان که تحت عنوان "فخ العولمه" (دام جهانی شدن) به زبان عربی ترجمه شده است.

([29]). واعظ، ص 99

([30]) <http://www.globalpolicy.org/globaliz/intropg.htm>

و نیز پایگاه‌های اطلاع‌رسانی شناسانده شده در

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/websites.htm>

همچنین کتاب‌هایی که در این زمینه در این پایگاه معرفی شده‌اند، سودمندند:

برای آگاهی از پاره‌های دیدگاه‌های انتقادی در باره‌ی جهانی شدن می‌توان از این پایگاه سود جست:

<http://globalization.about.com/cs/antiglobalization/index.htm>

در پایگاه زیر نیز می‌توان به مقالاتی پیرامون تهدیدات فرهنگی جهانی شدن برای فرهنگ‌ها و زبان‌های بومی دست یافت:

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/cultural/index.htm>

مقاله‌ی " تهدید جهانی شدن " نوشته‌ی ادوارد اس. هرمن نیز به آدرس زیر در دسترس است:

<http://www.globalpolicy.org/globaliz/define/hermantk.htm>

چند مقاله‌ی زیر نیز در این زمینه کما بیش به کار می‌آیند: شبستری، " جهانی‌سازی فرهنگ‌ها " (برای اطلاع از نگاه انتقادی نویسندگان معاصر مسلمان مفید است) ؛ قراگوزلو، " جهانی شدن و تنوع فرهنگ‌ها " ؛ پژوهنده، " استحاله فرهنگ دینی در پروژه‌ی جهانی‌سازی " ؛ گودرزی، " جهانی شدن؛ خطر یا رؤیا، الزام یا انتخاب " ؛ شعبانلو، " جهانی شدن؛ تهدید یا فرصت "

([31]). در زمینه‌ی رابطه‌ی دین و فرهنگ هنوز فصل سوم کتاب آقای Dawson Christopher به رغم گذشت چند دهه از نگاشتن آن مفید است.

([32]). در این بخش از مقاله، با وجود اطلاق کلمه‌ی دین، تکیه‌ی خاصی بر دین اسلام مد نظر بوده است.

([33]). هینس، ص 21 و برای بحثی پیرامون شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی دینداران در کشورهای جهان سوم، همو، صص 40 – 41

([34]). به عنوان نمونه، ر.ک. افروغ، رنسانسی دیگر، " فصل یازدهم: جهانی شدن و حقیقت غائب"، صص

([35]). نخبگان دینی و عصر اطلاعات

([36]). نوبا تاکا ، " جهانی شدن دین در عصر اطلاعات "

([37]). هینس، صص 25 - 26

([38]). همو، ص 20

([39]). همو، ص 46

([40]). همو، ص 97

([41]). برای بحثهایی در باره‌ی تحول رسانه‌ها و کاربرد دوگانه‌ی آن و تأثیر آن در نقش‌آفرینی دین در تعامل با جهان و جهانی شدن، به عنوان نمونه ر.ک. کیانی(مصاحبه)؛ میرسپاسی ، علی ، " جهانی شدن، تکنولوژی اطلاعاتی و توسعه‌ی فرهنگی " ؛ مولانا ، " جهانی شدن؛ چالشها و پاسخها " ؛ هینس، فصل سوم: جایگاه رسانه‌ها و ادیان در قلمرو سیاست جهان سوم، صص 93 - 133

([42]). جلالی مقدم ، صص 38 - 40

([43]). دین در زبان فارسی از ریشه‌ی دا به معنای اندیشیدن و شناختن و دانستن است و یا از مصدر دی که در اوستا به معنی دیدن و نگریستن آمده است (مددپور ، ج 2 ، ص 44)

([44]). آلستون ، ص 26؛ جلالی مقدم، صص 42 - 43

([45]). ..و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً ، (نساء / 141)

([46]). ماهاتیر محمد، " روند جهانی شدن نیاز به اصلاح دارد " ؛ برای تحلیل کلی موضع ضعیف مسلمانان و متفکران مسلمان در مواجهه با جهانی شدن و راه حلهای آن ر.ک. ابورابی ، " جهانی شدن، حساسیت

مقابل اسلامي معاصر "؛ همچنين براي يك بررسي اجمالي ديگر در اين زمينه مي‌توان به رساله‌اي فوق
ليسانس آقاي جعفرپور با عنوان " فرهنگ اسلامي در عصر جهاني شدن " مراجعه كرد.

([47]). نحاس، شماره‌اي 306 ، ص 6

([48]). افروغ ، " ما و جهاني شدن "

([49]). همو ، رنسانسي ديگر ، ص 211

([50]). ملكيان، " معنويت در عصر جهاني شدن "

([51]). احمد ، ص 247

([52]). براي بحثي فشرده در باره‌اي استدلالهاي جهاني بودن دين اسلام ر.ك. الويري، صص 2-4.

([53]). فرقان / 1

([54]). توبه / 9 ؛ فتح / 48 ؛ صف / 9 .